

تعیین و تحلیل سطوح برخورداری و میزان محرومیت دهستان‌های شهرستان جاسک

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۰۲

محمد صبوری *

اصغر نوروزی **

چکیده

هدف اصلی برنامه‌ریزی روستایی در کشورهای مختلف، تحقق توسعه و کاهش نابرابری‌ها و رسیدن به توسعه‌ی پایدار است. گام نخست برای موفقیت در برنامه‌ریزی و رسیدن به توسعه، شناخت و سطح‌بندی مناطق برحسب میزان برخورداری از زمینه‌های گوناگون اقتصادی، زیربنایی، ارتباطات، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، درمانی، آموزشی و غیره است. این تحقیق به منظور بررسی سطوح برخورداری نواحی روستایی شهرستان جاسک واقع در جنوب شرق استان هرمزگان و سواحل مکران صورت گرفته‌است. تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و ماهیت آن توصیفی - تحلیلی است و با اتکا بر یافته‌های اسنادی و میدانی به بررسی موضوع پرداخته است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه در سطح روستا است. در تحقیق حاضر با بهره‌گیری از مدل کمی «تاکسونومی عددی»، سطوح برخورداری نواحی روستایی تعیین و بررسی شده‌است. نتایج این پژوهش نشان داد ۶۰ درصد دهستان‌ها (سورک، پی‌وشک و گابریک) در طبقه‌ی دهستان‌های محروم و خیلی محروم قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: تاکسونومی عددی، توسعه‌ی روستایی، سطوح برخورداری، محرومیت،

شهرستان جاسک.

فقدان تعادل فضایی در برخورداری از امکانات و خدمات پدیده‌ی نوینی نیست، اما در کشورهای جهان سوم این پدیده چنان نمود یافته که به معضلی اساسی تبدیل شده است. بنابراین، بررسی و شناخت جایگاه سکونت‌گاه‌ها در سلسله مراتب برخورداری از شاخص‌های توسعه، نقش بسزایی در برنامه‌ریزی دارد و نوعی ضرورت برای تهیه و ارائه‌ی طرح‌ها و برنامه‌ها محسوب می‌شود (نوروزی و کامران، ۱۳۹۶: ۱).

هدف اصلی برنامه‌های توسعه‌ی روستایی نیز دستیابی به الگویی مناسب، برای توزیع امکانات و فعالیت‌ها براساس توان‌های جغرافیایی هر منطقه است. در فرایند برنامه‌ریزی توسعه برای مناطق، شناخت و تبیین سطوح توسعه‌یافتگی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آنها اهمیت زیادی دارد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۴۹). با شناخت میزان برخورداری هر یک از مناطق، می‌توان میزان آشفتگی توزیع امکانات و خدمات عرضه شده را مشاهده کرد و با داشتن اطلاعات جامع و دقیق از سطح برخورداری یا محرومیت، برنامه‌ریزی و تخصیص منابع متناسب با نیازهای هر ناحیه مقدور خواهد شد.

ناگفته پیداست که امروزه روستاهای کشور با مشکلات متعددی از قبیل کمبود امکانات، بیکاری، فقر و محرومیت مواجه است؛ بنابراین، برنامه‌ریزی برای رفع این قبیل مشکلات و نابرابری‌ها و توزیع مناسب امکانات و فعالیت‌ها، ضرورتی انکارناپذیر است. ناحیه‌ی مورد مطالعه نیز جزو مناطق محروم کشور به شمار می‌رود و اکثریت ساکنان آن را روستاییان تشکیل می‌دهند که در روستاهای کم‌جمعیت و پراکنده زندگی می‌کنند. روستاهای شهرستان جاسک نیازمند مطالعه‌ی جدی است تا بتوان براساس آن، برنامه‌ریزی‌های متناسب با شرایط منطقه را طراحی و اجرا کرد؛ از این رو هدف کلی این مقاله، سنجش سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان جاسک و رتبه‌بندی آنها از نظر میزان برخورداری یا محرومیت از امکانات و تسهیلات مختلف است تا از این رهگذر، بتوان برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی روستایی را بهبود بخشید و ارائه امکانات و خدمات را منطقی ساخت. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی خواهد بود که دهستان‌های شهرستان جاسک در چه سطحی از برخورداری یا محرومیت قرار دارند؟

بر این اساس اهداف تحقیق را می‌توان چنین بیان کرد: تعیین و تحلیل سطح و میزان برخورداری دهستان‌های شهرستان جاسک و گویاکردن آن با نقشه، همچنین ارائه‌ی تصویری از وضعیت موجود شاخص‌های توسعه و به صورت مقایسه‌ای بین دهستان‌های مورد مطالعه عنوان کرد. به علاوه، ارائه‌ی راهکارهایی در زمینه‌ی ساماندهی و تعادل فضایی در برخورداری از امکانات و خدمات نیز مدنظر خواهد بود. در این پژوهش به منظور پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش و رسیدن به اهداف موردنظر، فرضیه‌هایی به این شرح تدوین شده است.

- به نظر می‌رسد بین دهستان‌های شهرستان جاسک از نظر شاخص‌های توسعه و توزیع امکانات و خدمات، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بیشتر دهستان‌های شهرستان جاسک از لحاظ برخورداری از شاخص‌های مختلف توسعه، در سطح کمتر برخوردار و محروم قرار دارند.
- به نظر می‌رسد میزان محرومیت از غرب به شرق شهرستان، افزایش می‌یابد.

۲- مبانی نظری و ادبیات تحقیق

مروری بر ادبیات نظری در زمینه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای نشان می‌دهد که این شیوه‌ی برنامه‌ریزی توسعه از دیدگاه‌های مختلف قابل توجه بوده‌است و هر کدام از صاحب‌نظران، نابرابری‌های منطقه‌ای را مطابق با موقعیت مکان و زمان خود بررسی کرده‌اند. بعد از جنگ جهانی دوم نیز اقتصاددانان توجه خود را به بعد مکانی و منطقه‌ای معطوف ساختند.

نخستین نظریه‌های بنیانی در زمینه‌ی توسعه و توسعه‌نیافتگی در دهه‌ی ۱۹۵۰ شکل گرفت، اما موضوع تفاوت‌های منطقه‌ای از دهه‌ی ۱۹۹۰ به صورت جدی قابل توجه بود و عمده‌ترین نظریه‌های مبین فقدان توازن منطقه‌ای در تحلیل توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای در این دوره مطرح شد؛ مانند نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای، نظریه‌ی دوگانگی اقتصادی و رویکردهای قطبی‌شدن توسعه‌ی فضایی (نوروزی و کامران، ۱۳۹۶: ۳). از پیشگامان توسعه‌ی ناحیه‌ای، افرادی چون والتر ایزارد، گونامیردال، فرانسوا پرو، هیرشمن، جان فریدمن و غیره را می‌توان نام برد. هیرشمن و میردال از جمله کسانی بودند که کاربردهای مکانی فرآیند توسعه را شناختند و در جهت ایجاد پیوند و ارتباط میان مدل‌های رشد و نظریه‌های توسعه منطقه‌ای، گام‌های مهمی برداشتند (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۲). با این وجود، از زمان آغاز طرح مباحث توسعه و توسعه‌نیافتگی، مکاتب و دیدگاه‌های مختلفی در این مورد ارائه شد که از آن جمله می‌توان به مکتب تکاملی توسعه، نظریه‌ی نوسازی، دیدگاه مارکسیستی از توسعه و نظریه‌ی وابستگی اشاره کرد (ازکیا، ۱۳۸۱: ۳۵).

امروزه معنای توسعه از رشد اقتصادی فراتر رفته و به عنوان مفهومی انسانی، عدالت اجتماعی و بهبود توزیع امکانات تلقی می‌شود. در این راستا هدف نهایی توسعه، ارتقای سطح زندگی مردم است (United Nation, 2000). توسعه‌ی روستایی فرآیندی است که به توسعه‌ی پایدار در کیفیت زندگی مردم روستایی به خصوص فقرا منجر می‌شود (3: singh, 2009)؛ به عبارت دیگر، کمک به فقیرترین مردمی است که در پی امرار معاش در مناطق روستایی‌اند (chambers, 1983: 147). چمبرز و کانوی^۱ (۱۹۹۲) معتقدند که توسعه‌ی روستایی چیزی غیر از اولویت‌بخشی به فقرای روستایی در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرا نیست. البته شاید هنوز تعریف مهاتما گاندی از توسعه‌ی روستایی، تنها تعریفی باشد که تمامی جنبه‌های این زندگی را در خود دارد. او توسعه‌ی روستایی را تبدیل روستاها به مکان‌های قابل زیست و متناسب با رشد و تعالی انسانی معرفی کرده‌است (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۵۶).

توسعه‌ی روستایی بعد از جنگ جهانی دوم، بیشتر تحت تأثیر تئوری‌های توسعه‌ی

1. Chambers and conway

اقتصادی قرار داشت. طی دهه‌ی ۱۹۶۰-۱۹۵۰، بیشترین توجه توسعه‌ی روستایی بر به حداکثر رساندن سود متمرکز شده بود. در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰، اندیشمندان توسعه به این نتیجه رسیدند که منافع حاصل از رشد سریع، نمی‌تواند به قشر فقیر کمک کند و به این ترتیب، زمینه‌ی شکست تئوری‌های اقتصادی فراهم شد؛ از این رو، این مسئله باعث شد مفاهیمی چون توزیع مجدد درآمد همراه با رشد یا رشد همراه با عدالت، در مفاهیم توسعه ظاهر و بر توسعه‌ی روستایی یکپارچه تأکید شود. راهبرد توسعه‌ی روستایی همه‌جانبه یا یکپارچه و راهبرد توسعه‌ی پایدار، ازجمله راهبردهایی است که نسبت به برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی رویکردی جامع دارند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

در سال‌های اخیر مطالعات متعددی با استفاده از شاخص‌های مختلف توسعه و با تأکید بر میزان برخورداری مناطق از خدمات و امکانات مختلف، با بهره‌گیری از روش‌های مختلف برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تحلیل فضایی اجرا و به تعیین سطوح توسعه‌یافتگی و فاصله‌ی مناطق از یکدیگر پرداخته شد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود: زیاری و همکاران (۱۳۸۰)، ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۰)، تقوایی و احمدی (۱۳۸۲)، تقوایی و رضایی (۱۳۸۳)، رضوانی (۱۳۸۳)، بدری و همکاران (۱۳۸۵)، خاکپور (۱۳۸۶)، امینی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۷)، عمرانی و پیری (۱۳۸۹)، تقوایی و نوروزی (۱۳۸۹)، قنبری و همکاران (۱۳۹۰)، شاه‌رخ‌ساردو و همکاران (۱۳۹۴)، خادمی و زارع‌پور (۱۳۹۶)، نوروزی و کامران (۱۳۹۶) و ...

ارزیابی نتایج مطالعات فوق که به تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی مناطق روستایی در نواحی مختلف پرداخته‌اند، نشان‌دهنده‌ی تفاوت و نابرابری‌های نواحی روستایی و منطقه‌ای در سطوح مختلف بوده‌است. با این وجود، چنین پژوهشی در سطح منطقه‌ی مورد مطالعه مشاهده شد و در واقع این امر خود اهمیت و ضرورت این پژوهش را نمایان می‌سازد.

۳- روش‌شناسی تحقیق

با توجه به موضوع و مؤلفه‌ها، پژوهش حاضر ترکیبی از روش‌های توصیفی - تحلیلی است. بخش نظری پژوهش با روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای تدوین شده‌است و به منظور تجزیه و تحلیل و بررسی فرضیه‌های پژوهش، با روش میدانی به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز پرداخته شد. بدین منظور، پرسشنامه‌ی روستا به تعداد کل جامعه‌ی آماری تهیه و تکمیل شده‌است. جامعه‌ی آماری تحقیق، ۱۶۵ سکونتگاه روستایی شهرستان جاسک به تفکیک دهستان است؛ به عبارت دیگر، بدون استفاده از روش نمونه‌گیری، تمام شماری روستاها ملاک قرار گرفت. پاسخگویان به پرسشنامه نیز در سطح مدیران و کارشناسان محلی (دهیاران، شوراهای روستا، بخشداران، کارشناسان سازمان‌های مرتبط از جمله فرمانداری، جهاد کشاورزی و ...) بوده‌است. در واقع از جامعه‌ی کارشناسان و مدیران محلی، افرادی - که به اطلاعات روز روستاهای مورد بررسی آگاه بودند - انتخاب شدند و به تکمیل پرسشنامه پرداخته شد. ذکر این امر لازم است که برای تکمیل داده‌ها و رفع نواقص آنها، از اطلاعات مرکز آمار

ایران و برخی اطلاعات آماری نهادها و اداره‌های شهرستان نیز استفاده شده‌است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مذکور نیز از روش تاکسونومی عددی استفاده شد. سپس با ارائه‌ی خروجی به صورت نقشه، به تبیین سطوح توسعه و محرومیت نسبی در میان دهستان‌های شهرستان پرداخته شده‌است.

تعیین شاخص‌ها که مهم‌ترین قدم در مطالعات توسعه‌ی ناحیه‌ای و در واقع بیان آماری پدیده‌های موجود در ناحیه است، با تبدیل متغیرها به سرانه‌ها، نسبت‌های مختلف، درصدها و غیره (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۱۰) تعیین شده‌اند. بدین منظور با استناد به مبانی نظری پژوهش و شاخص‌های معرف توسعه، تعداد ۵۳ متغیر (در قالب شاخص‌های آموزشی و فرهنگی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی، ارتباطی، خدماتی و جمعیتی) در مورد دهستان‌های شهرستان جاسک در ۶ گروه به شرح ذیل تعیین شده‌است (جدول ۱).

جدول ۱: شاخص‌های مورد بررسی برای سنجش سطح توسعه‌ی دهستان‌های شهرستان جاسک

A: شاخص‌های آموزشی و فرهنگی	A۱: درصد باسوادی؛ A۲: درصد آبادی‌های دارای دبستان؛ A۳: درصد آبادی‌های دارای راهنمایی پسرانه؛ A۴: درصد آبادی‌های دارای راهنمایی دخترانه؛ A۵: درصد آبادی‌های دارای دبیرستان پسرانه؛ A۶: درصد آبادی‌های دارای دبیرستان دخترانه؛ A۷: نسبت دانش‌آموزان دختر در کل دانش‌آموزان؛ A۸: نسبت دانش‌آموزان دختر ابتدایی به کل دانش‌آموزان ابتدایی؛ A۹: نسبت دانش‌آموزان دختر راهنمایی به کل دانش‌آموزان راهنمایی؛ A۱۰: نسبت دانش‌آموزان دختر دبیرستان به کل دانش‌آموزان دبیرستان؛ A۱۱: نسبت معلمان به کل دانش‌آموزان؛ A۱۲: نسبت معلمان ابتدایی به کل دانش‌آموزان ابتدایی؛ A۱۳: نسبت معلمان راهنمایی به کل دانش‌آموزان راهنمایی؛ A۱۴: نسبت معلمان دبیرستان به کل دانش‌آموزان دبیرستان؛ A۱۵: نسبت تعداد کلاس‌ها به کل دانش‌آموزان؛ A۱۶: نسبت تعداد کلاس‌های ابتدایی به کل دانش‌آموزان ابتدایی؛ A۱۷: نسبت تعداد کلاس‌های راهنمایی به کل دانش‌آموزان راهنمایی؛ A۱۸: نسبت تعداد کلاس‌های دبیرستان به کل دانش‌آموزان دبیرستان؛ A۱۹: درصد آبادی‌های دارای کتابخانه؛ A۲۰: درصد آبادی‌های دارای مسجد.
	B۱: درصد آبادی‌های دارای مرکز بهداشتی درمانی؛ B۲: درصد آبادی‌های دارای پزشک عمومی؛ B۳: درصد آبادی‌های دارای بهیار و ماما؛ B۴: درصد آبادی‌های دارای داروخانه؛ B۵: درصد آبادی‌های دارای خانه بهداشت؛ B۶: درصد آبادی‌های دارای بهورز؛ B۷: درصد آبادی‌های دارای غسال‌خانه.
C: زیربنایی	C۱: درصد آبادی‌های دارای برق؛ C۲: درصد آبادی‌های دارای آب لوله‌کشی؛ C۳: درصد آبادی‌های دارای راه آسفالت؛ C۴: درصد آبادی‌های دارای راه شوسه؛ C۵: درصد آبادی‌های دارای طرح هادی اجراشده؛ C۶: درصد آبادی‌های دارای سالن‌های ورزشی؛ C۷: درصد آبادی‌های دارای زمین ورزشی.

D۱: درصد آبادی‌های دارای دفتر خدمات روستایی؛ D۲: درصد آبادی‌های دارای دفتر مخابراتی؛ D۳: درصد آبادی‌های دارای صندوق پستی؛ D۴: درصد آبادی‌های دارای پوشش تلویزیونی؛ D۵: درصد آبادی‌های دارای پوشش تلفن همراه.

E۱: درصد آبادی‌های دارای شورا؛ E۲: درصد آبادی‌های دارای دهیار؛ E۳: درصد آبادی‌های دارای پاسگاه انتظامی؛ E۴: درصد آبادی‌های دارای پایگاه بسیج؛ E۵: درصد آبادی‌های دارای جایگاه سوخت؛ E۶: درصد آبادی‌های دارای تعمیرگاه موتور و ماشین؛ E۷: درصد آبادی‌های دارای وسیله نقلیه عمومی؛ E۸: درصد آبادی‌های دارای بانک؛ E۹: درصد آبادی‌های دارای نانویی؛ E۱۰: درصد آبادی‌های دارای مغازه خرده‌فروشی؛ E۱۱: درصد آبادی‌های دارای روزنامه‌فروشی.

F۱: میزان جمعیت؛ F۲: درصد آبادی‌های بالای ۲۰ خانوار جمعیت؛ F۳: تراکم نسبی جمعیت.

برای تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی مناطق روش‌های متعددی وجود دارد؛ روش‌هایی که دامنه‌ی پیچیدگی آنها از روش‌های نسبتاً ساده‌ی مبتنی بر شمارش تعداد نهادهای خدماتی و وزن‌دهی به آنها شروع می‌شود و تا روش‌های پیچیده‌ای که نیازمند در نظر گرفتن متغیرهای مختلف است، تغییر می‌کند (جمعه‌پور، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

روش تاکسونومی عددی^۱ از روش‌های مرسوم و معمول در بررسی سطوح توسعه‌ی مناطق و گروه‌بندی آنها در مجموعه‌های همگن است. در این روش، یکی از نقاط مورد مطالعه به عنوان منطقه‌ی ایده‌آل انتخاب و نقاط دیگر بر مبنای آن درجه‌بندی می‌شوند (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۴۹). این روش را نخست «آدونسون»^۲ در سال ۱۷۶۳ پیشنهاد کرد و در سال ۱۹۶۸، پروفیسور «هل وینگ»^۳ از مدرسه‌ی عالی اقتصاد ورکلا در یونسکو، به معرفی آن به منزله‌ی وسیله‌ای برای طبقه‌بندی و درجه‌ی توسعه‌یافتگی میان کشورهای گوناگون پرداخت (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۳: ۱۵۷). تاکسونومی عددی یک روش عالی درجه‌بندی، طبقه‌بندی و مقایسه‌ی کشورها یا مناطق مختلف با توجه به درجه‌ی توسعه و مدرن بودن آنهاست. همچنین روشی است که مجموعه‌ای را به زیرمجموعه‌ای کم و بیش همگن تقسیم می‌کند و مقیاس قابل‌قبولی برای بررسی میزان توسعه‌یافتگی نواحی در اختیار برنامه‌ریزان قرار می‌دهد (زیاری، ۱۳۸۸: ۹۱ & آسایش و استعلاجی، ۱۳۸۲). این روش دارای چندین گام عملیاتی به شرح زیر است:

الف - تشکیل ماتریس داده‌ها: هر یک از نقاط با X_i نشان داده می‌شوند و می‌توانند یکتا m خصوصیت را داشته باشند. از کنار هم قرار دادن آنها ماتریس ذیل حاصل

می‌شود:

$$\begin{bmatrix} X_{11} & X_{12} & \cdots & X_{1m} \\ X_{21} & X_{22} & \cdots & X_{2m} \\ \cdots & \cdots & \cdots & \cdots \\ X_{n1} & X_{n2} & \cdots & X_{nm} \end{bmatrix}$$

1. Numerical Taxonomy
2. Asanson
3. Z. Hellwing

ب - استاندارد کردن شاخص‌ها با استفاده از فرمول Z-Score صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه شاخص‌های موجود با واحدهای مختلف سنجیده می‌شود، برای حذف واحدهای مختلف و جایگزینی مقیاس واحد، هر یک از عناصر ماتریس تغییر داده می‌شود و ماتریس داده‌ها (X) به ماتریس استاندارد (Z) تبدیل می‌شود (آسایش، ۱۳۷۵). برای استانداردسازی ماتریس داده‌ها، ابتدا میانگین و انحراف معیار هر شاخص از طریق فرمول‌های $SD = \sqrt{\frac{\sum(\bar{X}-X)^2}{N}}$ و $M = \frac{\sum x_i}{N}$ محاسبه می‌شود.

$$\begin{bmatrix} Z_{11} & Z_{12} & \dots & Z_{1m} \\ Z_{21} & Z_{22} & \dots & Z_{2m} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ Z_{n1} & Z_{n2} & \dots & Z_{nm} \end{bmatrix}$$

بنابراین ماتریس Z بدین شکل خواهد شد:

ج - محاسبه و تعیین فواصل مرکب میان مکان‌ها: پس از استانداردسازی با استفاده از رابطه‌ی زیر، فواصل هر یک از مناطق محاسبه می‌شود:

$$D_{ab} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (z_{aj} - z_{bj})^2}$$

که در آن a و b بیانگر دو منطقه و D_{ab} بیانگر فاصله‌ی میان آن در منطقه است. می‌توان ماتریس فواصل مرکب را به صورت زیر (ماتریس D) نمایش داد:

$$\begin{bmatrix} 0 & D_{12} & \dots & D_{1N} \\ D_{21} & 0 & \dots & D_{2N} \\ \dots & \dots & 0 & \dots \\ D_{n1} & D_{n2} & \dots & 0 \end{bmatrix}$$

این ماتریس، ماتریس قرینه است که قطر اصلی آن صفر است.

د - تعیین کوتاه‌ترین فاصله و تشخیص بخش‌های همگن: کوتاه‌ترین فاصله بین دو فعالیت، مشخص و در ستونی جداگانه (Min D) ثبت می‌شود. سپس میانگین و انحراف معیار محاسبه و برای مشخص کردن فعالیت‌های همگن، فواصل حد بالا (+d) و حد پایین (-d) طبق معادله‌ی زیر محاسبه می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

$$\bar{D} = \frac{\sum D_i}{n} \quad \text{میانگین کوتاه‌ترین فاصله} \quad SD = \sqrt{\frac{\sum (D_i - \bar{D})^2}{n}} \quad \text{انحراف معیار کوتاه‌ترین فاصله}$$

$D \pm 2SD$ در اینجا عدد ۲ همان مقدار Z (توزیع نرمال) است که در سطح ۹۵ درصد محاسبه شده است. مناطق واقع در محدوده‌ی $+^A D$ و $-^A D$ همگن تلقی می‌شوند. برای رتبه‌بندی مناطق، باید مناطق ناهمگن را حذف کرد.

ح - محاسبه‌ی C_{10} (سرمشق‌های توسعه) و f_1 (رتبه‌بندی نهایی) آخرین مرحله‌ی تاکسونومی عددی، محاسبه‌ی درجه‌ی توسعه‌یافتگی است.

$$c_{io} = \sqrt{\sum_{j=1}^m (z_{ij} - z_{oj})^2}$$

c_{io} = فاصله‌ی مرکب منطقه i از منطقه‌ی ایدئال (سرمشق توسعه)؛ z_{ij} = شاخص استاندارد شده‌ی j در منطقه i (اعداد موجود در ماتریس استاندارد)؛ z_{oj} = مقدار ایده‌آل شاخص j (بیشترین مقدار هر ستون در ماتریس استاندارد). در نهایت، درجه‌ی توسعه‌ی هر منطقه با استفاده از رابطه‌ی زیر به دست می‌آید:

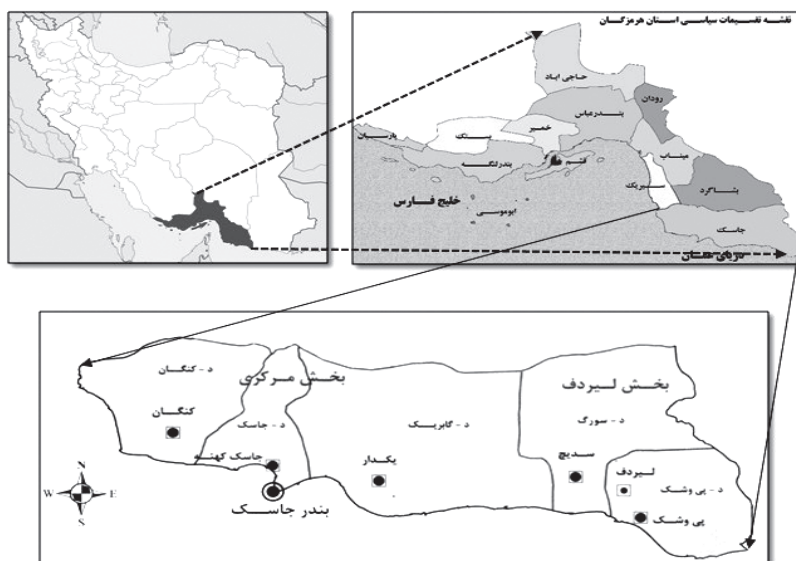
$$f_i = \frac{c_{io}}{c_o}$$

f_i = درجه‌ی توسعه‌ی منطقه؛ ic_{io} = فاصله‌ی مرکب منطقه i از منطقه‌ی ایده‌آل.
 c_o = میانگین، c_{io} به اضافه‌ی دو، برابر انحراف معیار آن است که بر طبق فرمول زیر به دست می‌آید:

$$c_o = \bar{c}_{io} + 2s_{io} \frac{\sum_{i=1}^n c_{io}}{n} \bar{c}_{io} = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (c_{io} - \bar{c}_{io})^2}{n}} s_{io} =$$

در این پژوهش، قلمرو تحقیق شامل شهرستان جاسک در جنوب شرق کشور است که بر روی جلگه‌ی ساحلی دریای عمان و ناهمواری‌های مکران و در منتهی‌الیه جنوب شرقی استان هرمزگان واقع شده‌است. از شمال به رشته‌کوه‌ها و شهرستان بшаگرد، از جنوب به دریای عمان، از شرق به استان سیستان و بلوچستان، از طرف غرب به دریای عمان و از شمال غربی به شهرستان سیریک منتهی می‌شود (نقشه ۱).
 بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی - اداری، شهرستان جاسک از ۲ بخش، ۵ دهستان و ۱۶۵ روستا تشکیل شده‌است. بخش مرکزی شامل دهستان‌های جاسک، گابریک و گنگان و بخش لیردف شامل دهستان‌های پی و شک و سورک است. جمعیت این شهرستان بالغ بر ۵۸۸۸۴ نفر است که ۱۶۸۶۰ نفر در شهر جاسک و بقیه در نقاط روستایی ساکن‌اند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵).

شکل ۱: تقسیمات سیاسی و موقعیت شهرستان جاسک



۴- نتایج و یافته‌های تحقیق

ابتدا رتبه‌بندی و سطح میزان برخورداری دهستان‌های منطقه با استفاده از داده‌های جمع‌آوری‌شده در سطح ۵ دهستان شهرستان جاسک صورت گرفت. این امر با استفاده از ۵۳ متغیر در قالب ۶ شاخص عمده‌ی توسعه و طی مراحل عملیاتی به شرح ذیل محاسبه شد: ۱- تشکیل ماتریس داده‌ها؛ ۲- استاندارد کردن شاخص‌ها؛ ۳- تعیین فواصل مرکب (جدول ۲)؛ ۴- محاسبه‌ی C_{10} (جدول ۳).

جدول ۲: مقادیر فواصل اقلیدسی دهستان‌های شهرستان جاسک

دهستان	کمترین فاصله	سورک	پی‌وشک	گابریک	جاسک	گنگان
گنگان	۰	۸/۶۷	۱۱/۷۲	۹/۷۷	۶۴/۱۲	۶۷/۸
جاسک	۶۷/۸	۰	۱۳/۱۱	۷۵/۸	۱۹/۱۱	۸/۷۵
گابریک	۷۲/۱۱	۱۱/۱۳	۰	۱۰/۲۵	۲۲/۷	۲۲/۷
پی‌وشک	۷۷/۹	۷۵/۸	۱۰/۲۵	۰	۹/۱۵	۷۵/۸
سورک	۶۴/۱۲	۱۱/۱۹	۲۲/۷	۱۵/۹	۰	۲۲/۷

$$D = ۸/۱۲۲ \quad SD = ۰/۸۲۴ \quad D- = ۸/۱۲۲ - ۱/۶۴۸ = ۶/۴۷۴ \quad D+ = ۸/۱۲۲ + ۱/۶۴۸ = ۹/۷۷$$

جدول ۳: محاسبه‌ی c_{io} و رتبه‌بندی نهایی دهستان‌های شهرستان جاسک

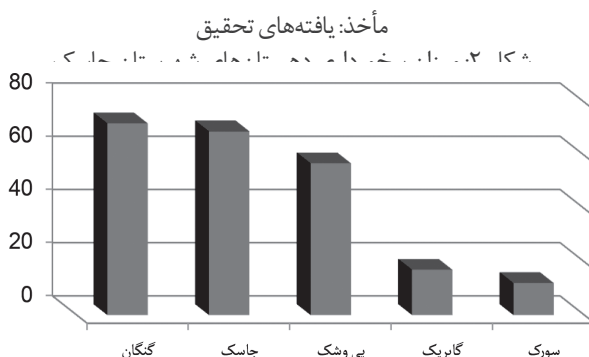
دهستان شاخص	گنگان	جاسک	گابریک	پی‌وشک	سورک
Σ	۵۶/۹	۷۶/۴۱	۱۸۲/۷۸	۱۱۲/۳۲	۲۲۹/۰۵
c_{io}	۷/۵۴	۸/۷۴	۱۳/۵۱	۱۰/۵۹	۱۵/۱۳
f_i	۰/۴۳۱	۰/۵۰۰	۰/۷۷۳	۰/۶۰۶	۰/۸۶۶
رتبه دهستان (R)	۱	۲	۴	۳	۵

جدول ۴: توزیع دهستان‌ها به لحاظ سطح برخورداری از شاخص‌های مورد مطالعه

f_i	سطح برخورداری	نام دهستان	تعداد	درصد
۰ - ۰/۲	خیلی برخوردار	-	-	-
۰/۲۱ - ۰/۴۰	برخوردار	-	-	-
۰/۴۱ - ۰/۶۰	نیمه‌برخوردار	گنگان - جاسک	۲	۴۰%
۰/۶۱ - ۰/۸۰	محروم	گابریک - پی‌وشک	۲	۴۰%
۰/۸۱ - ۱	خیلی محروم	سورک	۱	۲۰%

جدول ۵: میزان، رتبه‌بندی و سطوح برخورداری دهستان‌های شهرستان جاسک

ردیف	نام دهستان	سرمشق توسعه c_{io}	درجه توسعه f_i	رتبه	سطح برخورداری
۱	گنگان	۷/۵۴	۰/۴۳۱	۱	نیمه‌برخوردار
۲	جاسک	۸/۷۴	۰/۵	۲	نیمه‌برخوردار
۳	پی‌وشک	۱۰/۵۹	۰/۶۰۶	۳	محروم
۴	گابریک	۱۳/۵۱	۰/۷۷۳	۴	محروم
۵	سورک	۱۵/۱۳	۰/۸۶۶	۵	خیلی محروم

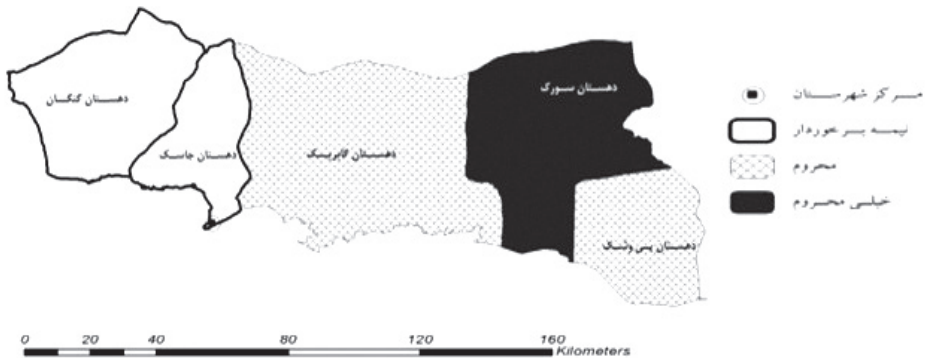


براساس نتایج محاسبات تاکسونومی عددی، دهستان‌های گنگان و جاسک جزو دهستان‌های دارای توسعه در حد متوسط (نیمه برخوردار) و دهستان‌های گابریک و پی‌وشک، جزو دهستان‌های محروم و دهستان سورک، جزو دهستان‌های خیلی محروم قلمداد می‌شوند. بر این اساس، ۴۰ درصد دهستان‌ها نیمه برخوردار از خدمات اقتصادی و اجتماعی هستند و ۶۰ درصد محروم و خیلی محروم از این خدمات. به طور کلی در دهستان‌های شهرستان، محرومیت و توسعه‌نیافتگی دیده می‌شود. با توجه به توزیع امکانات و خدمات در این ناحیه، می‌توان گفت روستاهای منطقه همچنان توسعه‌نیافته محسوب می‌شوند و از نظر دسترسی به امکانات و خدمات با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند (جدول ۴).

سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان نشان می‌دهد که دهستان گنگان با ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۴۳۱ و دهستان سورک با ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۸۶۶، به ترتیب بهترین و بدترین وضعیت را از نظر برخورداری از شاخص‌های مورد مطالعه دارند. این امر نشان‌دهنده اختلاف ضریب توسعه و توزیع نامناسب امکانات و خدمات در دهستان‌های شهرستان است (جدول ۵).

بیش از ۳۸٪ جمعیت روستایی در دهستان‌های دارای توسعه‌ی متوسط قرار دارند و ۶۲٪ از جمعیت روستایی منطقه در دهستان‌های محروم و خیلی محروم. دهستان‌های شرقی نسبت به نیمه‌ی غربی آن از نظر توسعه‌یافتگی در سطح پایین‌تری قرار دارند؛ به عبارت دیگر، از غرب به شرق شهرستان درجه‌ی محرومیت

افزایش می‌یابد (شکل ۲ و ۳).



در مورد سطوح برخورداری دهستان‌ها، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دهستان‌های نیمه شرقی شامل گابریگ، پی‌وشک و سورک در طبقه‌ی محروم و خیلی محروم و دهستان‌های نیمه غربی شامل گنگان و جاسک در سطح توسعه‌ی متوسط جای گرفته‌اند؛ بنابراین دهستان‌های شرقی نسبت به دهستان‌های غربی، محرومیت بیشتری دارند.

دلایلی چند برای توسعه‌ی متوسط دهستان‌های گنگان و جاسک - که در غرب جاسک واقع شده‌اند - در مقایسه با دهستان‌های دیگر وجود دارد که می‌توان به این موارد اشاره کرد: استقرار روستاها در نزدیکی محور ارتباطی جاسک - میناب، جمعیت بیشتر روستاها، نزدیکی به ساحل دریا و استفاده از حمل‌ونقل و توان‌های دریایی، نزدیکی به خطوط سراسری برق و نزدیکی و دسترسی آسان‌تر به شهر جاسک. این موارد از عوامل مهم و تأثیرگذار در سطوح برخورداری این مناطق است که بر مبنای نظریه‌های مکانی مرکزی، مرکز - پیرامون، قطب رشد و کارکردهای شهری در توسعه‌ی روستایی قابل توجیه است و بدیهی است که مناطق و روستاهای واقع در نزدیکی مراکز رشد، بیشتر از خدمات و امکانات آنها بهره‌مند می‌شوند و می‌توانند امکانات و خدمات بیشتری را جذب کنند.

محرومیت دهستان‌های گابریگ، پی‌وشک و سورک که در حوزه‌ی شرق جاسک واقع شده‌اند نیز می‌تواند به ضعف شبکه‌ی ارتباطی، پراکنش سکونتگاه‌ها و کم‌جمعیت بودن بعضی از آنها، شرایط نامساعد و اثر منفی و بازدارنده‌ی عوامل طبیعی و اقلیمی، فاصله و دوری از مرکز شهرستان و استان و مراکز مهم جغرافیایی و سیاسی و دور بودن از کانون‌ها و محورهای توسعه‌ی استان و موقعیت حاشیه‌ای دهستان‌ها، فاصله‌ی زیاد بعضی از روستاها تا ساحل دریا و وجود روستاهای دورافتاده و کوهستانی، فقدان سکونتگاه برتر با قابلیت‌های شهری، فقدان دسترسی آسان این جمعیت به شهر و مراکز ارائه‌ی خدمات و کمبود نیروی انسانی ماهر و فقدان اطلاعات لازم، از

عوامل عقب‌ماندگی این دهستان‌ها محسوب می‌شود. این عوامل سبب می‌شود تا تخصیص مطلوب امکانات و روند توسعه در نواحی روستایی و به ویژه نیمه‌ی شرقی با مشکل مواجه شود. این محرومیت اغلب به دلایل مختلف دیگری نیز حادث و تشدید می‌شود؛ از جمله بی‌توجهی، فقدان توانایی در فراهم کردن امکانات موردنیاز برای کلیه‌ی روستاها و نداشتن روش‌های توزیع خدمات و امکانات یا کارآمد نبودن آنها. بنابراین، مجموعه عوامل فوق دست‌به‌دست هم داده و به محرومیت و فقدان توسعه‌یافتگی روستایی در این شهرستان و به ویژه نیمه‌ی شرقی آن منجر شده‌است. اگر کل ۵۳ شاخص مورد مطالعه را به گروه‌های عمده شاخص‌های آموزشی و فرهنگی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی، خدماتی، ارتباطی و جمعیتی طبقه‌بندی شود و میزان توسعه‌یافتگی هر یک از دهستان‌ها برای هر کدام از آنها به طور جداگانه محاسبه شود، می‌توان تفسیر و بینش روشن‌تری از سطوح توسعه‌یافتگی دهستان‌ها نیز ارائه داد و محورهای توسعه را مشخص و تقویت کرد (جدول ۶).

جدول ۶: رتبه‌بندی دهستان‌ها از لحاظ گروه شاخص‌ها

شاخص	آموزشی و فرهنگی		بهداشتی درمانی		جمعیتی		خدماتی		ارتباطی		زیربنایی		نام دهستان
	R	f _i	R	f _i	R	f _i	R	f _i	R	f _i	R	f _i	
گنگان	۱	۰/۴۶	۱	۰/۲۸	۱	۰/۳۵	۱	۰/۱	۳	۰/۴۸	۳	۰/۴۸	
جاسک	۲	۰/۵۷	۳	۰/۳۱	۲	۰/۵۰	۲	۰/۱۸	۲	۰/۴۵	۲	۰/۴۶	
گابریگ	۳	۰/۵۹	۴	۰/۶۷	۴	۰/۸۶	۵	۰/۶۸	۵	۰/۸۴	۴	۰/۷۸	
پی وشک	۴	۰/۷۸	۲	۰/۲۸	۳	۰/۵۲	۳	۰/۵۶	۱	۰/۴	۱	۰/۱۷	
سورک	۵	۰/۸۸	۵	۰/۸۴	۵	۰/۷۳	۴	۰/۶۹	۴	۰/۷۸	۵	۰/۷۱	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی و آزمون فرضیه‌ها: نتایج حاصل از به‌کارگیری روش تاکسونومی عددی، فرض اول پژوهش را تأیید می‌کند مبنی بر اینکه بین دهستان‌های شهرستان جاسک از نظر شاخص‌های توسعه و توزیع امکانات و خدمات تفاوت معنی‌دار وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که دهستان‌های گنگان و جاسک جزو دهستان‌های دارای توسعه در حد متوسط (نیمه برخوردار) و دهستان‌های گابریگ و پی‌وشک، جزو دهستان‌های محروم و دهستان سورک نیز جزو دهستان‌های خیلی محروم قلمداد می‌شود. براین اساس، ۴۰ درصد دهستان‌ها از خدمات اقتصادی و اجتماعی نیمه برخوردار هستند و ۶۰ درصد آنها محروم و خیلی محروم به شمار می‌روند.

سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان نشان می‌دهد که دهستان گنگان با ضریب توسعه‌یافتگی ۴۳۱٪ و دهستان سورک با ضریب توسعه‌یافتگی ۸۶۶٪، به ترتیب بهترین و بدترین وضعیت را از نظر برخورداری از شاخص‌های مورد مطالعه دارند.

این امر اختلاف ضریب توسعه و توزیع نامناسب امکانات و خدمات را در دهستان‌های شهرستان نشان می‌دهد (جداول ۴ و ۵).

نکته قابل توجه و مشخص در مورد دهستان‌های شهرستان جاسک، پایین بودن میزان و سطح برخورداری اکثر آنهاست؛ به گونه‌ای که نوعی محرومیت عمومی در روستاهای منطقه مشاهده می‌شود و مطابق نتایج به دست آمده، هیچ دهستانی در سطح توسعه‌یافته قرار نگرفته‌است. در مجموع می‌توان گفت اکثر دهستان‌های شهرستان جاسک و به ویژه حوزه‌ی شرق آن، از نظر سطح توسعه جزء دهستان‌های محروم و خیلی محروم دسته‌بندی می‌شوند. با توجه به توزیع امکانات و خدمات در این منطقه، می‌توان گفت روستاهای آن همچنان توسعه‌نیافته محسوب می‌شوند و از نظر دسترسی به امکانات و خدمات با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. بنابراین نتایج حاصل، فرضیه‌ی دوم را تأیید می‌کند مبنی بر اینکه بیشتر دهستان‌های شهرستان جاسک از لحاظ برخورداری از شاخص‌های مختلف توسعه در سطح کمتر برخوردار و محروم قرار دارند.

همچنان که در شکل ۳ نیز قابل مشاهده است دهستان‌های نیمه‌ی شرقی شامل گابریگ، پی وشک و سورک، در طبقه‌ی محروم و خیلی محروم و دهستان‌های نیمه‌ی غربی شامل گنگان و جاسک، در سطح توسعه‌ی متوسط جای گرفته‌اند؛ بنابراین دهستان‌های شرقی محرومیت بیشتری نسبت به دهستان‌های غربی دارند. در نتیجه فرض سوم پژوهش نیز مبنی بر اینکه میزان محرومیت از غرب به شرق شهرستان افزایش می‌یابد، تأیید می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی، سطح‌بندی این نواحی از لحاظ میزان برخورداری و توسعه‌یافتگی اهمیت به سزایی دارد. بر همین اساس، در این تحقیق با استفاده از ۵۳ متغیر در قالب ۶ شاخص عمده‌ی توسعه و با بهره‌گیری از مدل تاکسونومی عددی، به بررسی، تعیین و تحلیل ضریب توسعه‌یافتگی و طبقه‌بندی دهستان‌های شهرستان جاسک پرداخته شده‌است.

نکته‌ی قابل توجه و مشخص در مورد دهستان‌های شهرستان جاسک، پایین بودن میزان و سطح برخورداری اکثر آنهاست؛ به گونه‌ای که نوعی محرومیت عمومی در روستاهای منطقه مشاهده می‌شود و مطابق نتایج به دست آمده، هیچ دهستانی در سطح توسعه‌یافته قرار ندارد. در مجموع می‌توان گفت اکثر دهستان‌های شهرستان جاسک و به ویژه حوزه‌ی شرق آن، از نظر سطح توسعه جزء دهستان‌های محروم و خیلی محروم دسته‌بندی می‌شوند. این روستاها از نظر شاخص‌ها و امکانات آموزشی، بهداشتی و زیربنایی دارای ضعف و نارسایی هستند؛ بنابراین، محرومیت ویژگی عمومی و اصلی اکثر روستاهای منطقه است. ضریب توسعه‌یافتگی بین دهستان‌ها متفاوت و نابرابر بوده و اکثر نواحی روستایی این شهرستان از نظر برخورداری از امکانات و خدمات در وضعیت نامناسب و در سطح محروم و خیلی محروم قرار دارند.

بررسی وضعیت کلی مبین شرایط نامناسب حاکم بر مناطق روستایی شهرستان جاسک است. کمبود امکانات و خدمات از یک سو و توزیع نامناسب آنها از سوی دیگر، روند توسعه را در این مناطق با مشکلات زیادی مواجه ساخته است. نابرابری بین دهستان‌های منطقه، از فقدان رویکرد جامع توسعه‌ی روستایی در این مناطق نشأت یافته و این روند نیز توسعه‌ی نامتوازن روستایی را به همراه داشته است. بررسی نتایج به دست آمده از روش تاکسونومی عددی نشان می‌دهد که ۶۰٪ روستاهای منطقه در رده‌ی روستاهای محروم و بسیار محروم قرار دارند. لذا توجه و برنامه‌ریزی ویژه‌ای می‌طلبد؛ زیرا محرومیت در ابعاد شاخص‌های انسانی سبب شده این روستاها در وضعیت نامناسب قرار گیرند و در اکثر شاخص‌ها با کمبود و مشکلات جدی مواجه و دارای نارسایی باشند.

۶- پیشنهادها

براساس یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای ذیل به منظور ایجاد تعادل فضایی و نیل به توسعه‌ی پایدار روستایی منطقه ارائه می‌شود:

- با توجه به درصد بالای دهستان‌ها در سطح محروم و خیلی محروم، لزوم تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های هدفمند برای توسعه‌ی روستاهای منطقه ضروری است.
- بیشتر شاخص‌های آموزشی و فرهنگی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی، ارتباطی، خدماتی و جمعیتی در مناطق روستایی شهرستان و به ویژه دهستان‌های سورک، گابریک و پی وشک پایین‌تر از حد متوسط هستند و از شرایط نامساعدی برخوردارند؛ بنابراین توسعه و ارتقای سطح کمی و کیفی این شاخص‌ها باید در برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و میان مدت قابل توجه قرار گیرد.

- با توجه به محرومیت زیاد دهستان سورک در اکثر شاخص‌ها، بدیهی است که این دهستان در اجرای برنامه‌های توسعه روستایی و تخصیص امکانات آتی بایستی در اولویت اول قرار گیرد.

- بعضی از روستاها در دهستان‌های گابریک و سورک به دلیل شرایط طبیعی و کوهستانی بودن، در انزوای جغرافیایی هستند و فاصله‌ی زیادی با روستاهای مرکزی، مرکز شهر و ساحل دریا دارند. این مناطق دارای شرایط نامناسب اقتصادی و فاقد امکانات اولیه هستند؛ از این رو به دلیل شرایط طبیعی و برخورداری کمتر از زیرساخت‌های اقتصادی و امکانات موردنیاز، برنامه‌ریزی خاصی برای ارائه‌ی خدمات به آنها لازم است. - نارسایی‌های خدماتی از یک سو و تعدد و پراکندگی روستاها از سوی دیگر، ضروری است تا ساماندهی روستاها در قالب یک نظام بهینه‌ی سلسله مراتب خدمات‌رسانی انجام شود.

- برای رسیدن به توسعه، بهتر است مجموعه‌های روستایی ملاک برنامه‌ریزی قرار گیرند نه نقاط روستایی؛ با توجه به اینکه روستاهای کوچک و بافاصله‌ی کم در بعضی از مکان‌ها دیده می‌شوند، می‌توان به صورت سیستمی و مجموعه‌ای به آنها نگرینست و برنامه‌ریزی لازم را انجام داد.

- تقویت نقش شهر جاسک به عنوان تنها شهر شهرستان به همراه ایجاد نقاط شهری دیگر و استقرار نمایندگی ادارات و سازمان‌های دخیل در امر توسعه‌ی روستایی در این بخش و ایجاد کانون‌های رشد و توسعه‌ی روستایی در دهستان‌ها، می‌تواند در برخورداری سکونت‌گاه‌های روستایی از خدمات بیشتر و برقراری تعادل مؤثر باشد.

- راه ارتباطی به عنوان شریان حیاتی توسعه‌ی روستایی و وسیله‌ی خدمات‌رسانی به روستاییان است، ولی هم‌اکنون تعدادی از روستاها از داشتن راه ارتباطی مناسب محروم هستند؛ از این رو، تقویت و تکمیل شبکه‌ی ارتباطی شهرستان به ویژه راه‌های روستایی به منظور تسهیل دسترسی تمام روستاها دارای اهمیت است.

- با در نظر گرفتن شرایط روستاها، استراتژی‌های توسعه می‌بایست با آگاهی و به صورت سیستمی صورت پذیرد تا از ناپایداری جلوگیری شود و توسعه‌ی منطقه نیز به گونه‌ای باشد که محروم‌ترین روستاها را نیز شامل شود؛ از این رو برای تحقق عدالت فضایی و توسعه‌ی پایدار، ضرورت دارد که مناطق محروم و آسیب پذیر در اولویت برنامه‌های خدمات‌رسانی و توسعه‌ی روستایی قرار گیرند.

منابع و مأخذ

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ سرگلزهی، احمدرضا و خسروی، مهدی (۱۳۸۰)، «تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی نواحی روستایی سیستان و بلوچستان به روش طبقه‌بندی تاکسونومی»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هفتم، شماره‌ی ۱۳: ۲۳-۳۵.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌یافتگی روستایی/ایران، اطلاعات: تهران.
- امینی‌نژاد، غلامرضا؛ بیک‌محمدی، حسن و حسینی‌ابری، سیدحسن (۱۳۸۷)، «تحلیل درجه‌ی توسعه‌یافتگی دهستان‌های حوزه‌ی تأسیسات پارس جنوبی در استان بوشهر»، روستا و توسعه، شماره‌ی ۳: ۱۷۲-۱۴۳.
- آسایش، حسین (۱۳۷۵)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات دانشگاه پیام‌نور: تهران.
- آسایش، حسین و استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۲)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای (مدل‌ها، روش‌ها و فنون)، چاپ اول، دانشگاه آزاد اسلامی شهر ری: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- بدری، سیدعلی؛ اکبریان رونیزی، سعیدرضا و جواهری، حسن (۱۳۸۵)، «تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان کامیاران»، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، سال بیست و یکم، شماره‌ی ۸۲: ۱۳۰-۱۱۶.
- تقوایی، مسعود و احمدی، عبدالحسین (۱۳۸۲)، «تعیین و تحلیل سطوح برخورداری مناطق روستایی شهرستان‌ها و بخش‌های استان کرمانشاه»، فصلنامه‌ی روستا و توسعه، شماره‌ی ۲۲: ۷۳-۴۶.
- تقوایی، مسعود و نوروزی، اصغر (۱۳۸۹)، «تعیین و تحلیل سطوح برخورداری مناطق روستایی استان‌های کشور با بهره‌گیری از روش تاکسونومی و تحلیل عاملی»، فصلنامه‌ی

- برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۵: ۹۵-۱۱۶.
- _____. (۱۳۸۳)، «مقایسه‌ی درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی شهرستان‌های استان ایلام با استفاده از روش تاکسونومی عددی»، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره‌ی ۱۶.
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی: دیدگاه و روش‌ها، تهران: سمت.
- حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، یزد: علم نوین.
- خادمی، حسین و زارع‌پور، فاطمه (۱۳۹۶)، «سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان نیریز با روش تاکسونومی عددی»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی، دوره‌ی چهل و نهم، شماره‌ی ۱: ۸۰-۶۹.
- خاکپور، براتعلی (۱۳۸۶)، «سنجش میزان توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان شیروان به منظور برنامه‌ریزی ناحیه‌ای»، دو فصلنامه‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، سال نهم، شماره‌ی ۷: ۱۴۵-۱۳۳.
- حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۳)، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، چاپ اول، تهران: سمت.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ایران، تهران: قومس.
- _____. (۱۳۸۳)، «تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره‌ی ۵۰: ۸۶-۷۵.
- _____. (۱۳۸۳)، «سنجش و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی در شهرستان سنندج»، مجله جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای دانشگاه فردوسی، شماره‌ی ۳: ۱۶۴-۱۴۹.
- زیاری، کرامت‌الله و زارع شاه‌آبادی، علیرضا (۱۳۸۰)، «سنجش توسعه‌یافتگی روستاهای استان یزد»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هفتم، شماره‌ی ۱۳: ۱۲۲-۱۰۵.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۸)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۷)، مبانی جغرافیای روستایی، تهران: سمت.
- شاهرخی‌ساردو، صالح؛ نوری‌پور، مهدی و پیدرام، پیمان (۱۳۹۴)، «ارزیابی کیفیت زندگی مناطق روستایی با استفاده از تاکسونومی عددی (مورد مطالعه: دهستان اسفندقه، شهرستان جیرفت)»، فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد یازدهم، شماره‌ی ۲، ۴۷-۳۱.
- عمرانی، محمد و پیری، حبیب (۱۳۸۹)، «سنجش توسعه‌یافتگی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان»، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد دوم، شماره‌ی ۳: ۱۴۳-۱۲۵.

قنبری، یوسف؛ حمید، برقی و حجاریان، احمد (۱۳۹۰)، «تحلیل سطوح برخورداری دهستان‌های شهرستان اصفهان»، فصلنامه روستا و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۳: ۹۳-۱۱۲.

کلانتری، خلیل (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، تهران: خوشبین.

کلانتری، خلیل؛ ایروانی، هوشنگ و وفایی‌نژاد، محمدشجاع (۱۳۸۲)، «سنجش سطح توسعه در شهرستان تربت‌حیدریه»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴: ۴۱-۵۴.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، شهرستان جاسک.

نوروزی، اصغر و کامران، معصومه (۱۳۹۶)، «سنجش و تحلیل فضایی سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری»، پنجمین همایش ملی علوم جغرافیایی، دانشگاه پیام‌نور، شاهین‌شهر.

Chambers, Robert (1983), *Rural Development putting the last first*, Long Man scientific and technical, Newyork.

Chambers, R & G. Conway (1992), *sustainable rural livelihoods: practical concepts for the 21 ST century*, IDS discussion- 296, IDS, university of Sussex, Brighton, UK.

singh, katar (2009), *Rural Development: Principles, Policies, Management*. sage publications pvt. Ltd, third Edition.

United Nations population fund (2002), *indicators for population and reproductive health programmes*, technical and policy division.

Determining and Analysis the Development levels and Deprivation Degree in Sub districts of Jask County

M. Sabouri¹

A. Nowroozi²

Abstract

The main goal of rural planning in different countries is reaching to development and decreasing regional imbalance and achieving to sustainable development. First step to solving the problem of regional imbalances and reaching to development, knowing the ranking of regions in case of development in various fields such as economic, fundamental communication, social, cultural, medical and education and so on. As an applied research this study with the analytical approach and relying on the results of documentary and field, is to investigate the issue. The tool for data collection was questionnaire at the village level. In the present study, using quantitative models, "taxonomy" for Determining and Analysis the Development levels and Degree in Sub districts of Jask County. The results show that 60 percent of district municipalities are in the class deprived and very deprived.

Keywords: numerical taxonomy, rural development, Development levels, Deprivation, Jask County.

1. Assistant professor, Faculty of Geography, param e noor Univesity of Tehran

2. Assistant professor, Faculty of Geography, param e noor Univesity of Tehran